

نماینده‌گان به دنبال طرحی برای پایان دادن به روش‌های غیرقانونی و قهری مواجهه با مقوله حجاب هستند

# بهارستان مقابل «گشت»؟

**رئیس پلیس تهران بزرگ: امکان انتشار فیلم کامل در رسانه‌ها وجود ندارد**

شترق: چند روز از فوت مهسا امینی گذشته و اخبار و حاشیه‌های این موضوع همچنان داغ است. حادثه چنان تأثیرانگیز بوده که در روز گذشته هم رئیس قوه قضائیه درباره این رخداد تلخ سخن گفت و هم رئیس پلیس تهران بزرگ نشست خبری برگزار کرد تا جزئیات بیشتری را با خبرنگاران در میان بگذارد. یک نماینده مجلس نیز از طرحی خبر داد که بر اساس آن از آزارهای گشت ارشاد جلوگیری خواهد شد. اما مهم‌ترین خبر رسمی که روز گذشته منتشر شد، اعلام برکناری رئیس پلیس امنیت اخلاقی تهران بزرگ بود که خبرگزاری برنا آن را منتشر کرد و نوشت: «خبرنگار خبرگزاری برنا کسب اطلاع کرد که در پی حادثه رخ‌داده برای مهسا امینی، به دستور سردار رحیمی فرمانده انتظامی تهران بزرگ، سرهنگ میرزایی رئیس پلیس امنیت اخلاقی تهران بزرگ تا بررسی دقیق و کامل ابعاد پرونده مهسا امینی برکنار شد». اما شب گذشته پایگاه خبری پلیس رسما اعلام کرد خبر جایجایی با عزل سرهنگ میرزایی در پلیس امنیت عمومی واقعیت ندارد.

**حذف آزارهای گشت ارشاد**

مجلس و نمایندگان روز گذشته به ماجرای مرگ مهسا امینی واکنش نشان دادند و نماینده جابه‌ار هم از تدوین طرحی خبر داد که بر اساس آن از آزارهای گشت ارشاد جلوگیری شود. به گزارش اعتماد۴تایان، معین‌الدین سعیدی گفته: «گشت ارشاد باعث روگردانی مردم از حجاب شده است. این گشت شخصی و حمل قانونی ندارد و مشخص نیست مبتنی بر کدام ردیف قانونی فعالیت می‌کند. تنها قانون حجاب وجود دارد که در آن اشاره‌ای به گشت ارشاد نشده است. ازاین‌رو گروهی از نمایندگان به دنبال آن هستند که با پایان تعطیلات مجلس طرحی را در این زمینه برنامه‌ریزی کرده تا مردم دیگر آزاری از گشت‌های ارشاد نبینند. برخی مسئولیت این فاجعه را متوجه شخص وزیر کشور می‌دانند. اما به نظر من موضوع ریشه‌ای‌تر از عملکرد وزیر کشور است و باید سرچشمه‌ها را اصلاح کرد». رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها نیز خبر داده که گزارش نهایی این کمیسیون درباره مرگ مهسا امینی تا پایان این هفته به صحن مجلس ارائه خواهد شد.

در همین حال نماینده مردم سقز (زادگاه مهسا امینی) با تأکید بر ضرورت پیگیری این موضوع به ایسنا گفت: «همه ما از فوت خانم مهسا امینی که همشهری ما و خواهر تمام مردم ایران بود، ناراحت هستیم. ما از طریق ظرفیت‌های قانونی خواستار روشن‌شدن ابعاد این موضوع هستیم. باید نوع

پرخطوری که با مسئله بدجایی شده و ارشادی که صورت گرفته است، روشن شود». بهژاد رحیمی افزود: «قطعا با این نوع حرکت‌ها و این شیوه برخورد با مسئله نه‌تنها به هدف خود نمی‌رسیم بلکه از هدف اصلی نیز دور می‌شویم. ما خواستار پیگیری جدی این موضوع هستیم و ابعاد آن باید روشن شود. اگر در این موضوع تخلفی هم صورت گرفته است، حتما باید افراد خاطی شناسایی شوند و بر اساس اظهارات دو نفر از خانم‌های دیگری

**مهسا در ون شوخی می‌کرد**

همچنین روز گذشته رئیس پلیس تهران در نشست خبری خود جزئیات فوت مهسا امینی را شرح داد. به گزارش ایسنا، حسین رحیمی گفت: «در هنگامی که خانم امینی برای انتقال به ون هدایت شدند، در درون ون تنها یک همکار خانم ما حضور داشته و بر اساس اظهارات دو نفر از خانم‌های دیگری که در ون با خانم مهسا امینی بودند، همگی در ون ساکت بودند و خانم امینی چند شوخی و مزاح نیز تا قبل از رسیدن به مقر پلیس و حضور در کلاس‌های آموزشی انجام دادند».

او با اشاره به فیلم منتشرشده از لحظه ورود خانم امینی به مقر پلیس امنیت اخلاقی عنوان کرد: «در این فیلم نشان داده می‌شود این خانم با همکار ما صحبت و در مورد ایراد ظاهری خودشان سؤال می‌کند که همکار ما اعلام می‌کنند ساپورتی که ایشان پوشیده‌اند، ایراد دارد که پس از این مکالمه حال ایشان به هم می‌خورد و در مدت یک دقیقه بهیار و پرستار مستقر در



مقطع ابتدایی بخوانند. احتمالا به دلیل بهانه بلسوغ زودرس تحصیل دخترهای کلاس پنجم و ششم هم ممنوع کنند تا کلا بساط تحصیل دخترها برچیده شود.

**باید برای شرایط روستا استثنا قائل شوند**

مرد جوان و لاغراندامی که عضو شورای روستا و یکی از افراد محلی است که در این مدت برای جلوگیری از بسته‌شدن مدرسه تلاش کرده، ادامه می‌دهد: الان تعداد دختر و پسرهای راهنمایی ما ۲۴ نفر می‌شود و اگر تفکیک جنسیتی صورت گیرد، باعث می‌شود تعداد به حدصاب نرسد. طبق صحبت‌هایی که با آموزش‌وپرورش دماوند داشتیم، گفتند ۳۰ سال است که تفکیک جنسیتی اجرائی شده، در صورتی که طی این سال‌ها ما چنین مشکلی نداشتیم و باید به‌خاطر شرایط روستا استثنا قائل شوند. مسیر این روستا طولانی است و باید تفاوتی قائل شد. معلم‌ها اغلب برای خود روستا هستند و یک‌سری هم از دماوند می‌آیند. رئیس آموزش‌وپرورش منطقه می‌گوید ما برای رفت‌وآمد بچه‌ها به شما سرویس می‌دهیم؛ در صورتی‌که… همان موقع، صدای همه اهالی حاضر در حیاط مدرسه بلند می‌شود و هرکسی ناهماهنگ با دیگری، از بدقولی سال گذشته آموزش‌وپرورش می‌گوید. از بین جمعیت پدری جلو می‌آید و می‌گوید: ببخشید، خانم خبرنگار، پارسال هم برای سرویس مدرسه ما از خودمان پول گذاشتیم، ما هنوز چهار میلیون به راننده سرویس به‌هکار هستیم.

پیرمردی با ریش و سبیل سفید دستش را روی قفسه سینه‌اش می‌گذارد و در ادامه حرف دیگران اضافه می‌کند: یکی از کسانی که برای سرویس مدرسه معلم‌ها هزینه کرده من بودم، هشت میلیون تومان چک نوشتم و به راننده دادم، دوباره هم همین کار را می‌کنم و هیچ مشکلی بابت آن نداریم، ولی نباید مدرسه‌ای را که ۰۳، ۴۰ سال است به همین شکل بچه‌ها در آن درس خوانند، یکباره جمع کنند. چطور بچه‌های ما ۶۰ کیلومتر هر روز بروند و باینبد یا یک هفته در خوابگاه بمانند؟ بعد پسر -اساله‌ای با موهای روشن و چشمان آبی را جلو می‌آورد و می‌گوید: نگاه کن، خودت قضاوت کن، چطور این سرپچه را در خوابگاه بگذاریم بماند؟

پیرمردی همه را کنار می‌زند تا به وسط جمع برسد، بین صحبت اهالی اشاره می‌کند تا صحبتی کند، با ندان‌های نامرتبی که کنار هم ردیف شدند، لب‌باز می‌کند، با عصبانیتی که در صورت و تن صدایش هوداست، شروع به صحبت می‌کند: چرا تفکیک جنسیتی صورت بگیرد وقتی همین بچه‌ها در دانشگاه کنار هم می‌نشینند؟ کنار هم در ادارات کار می‌کنند؟ ۳۵ سال است که دختران و پسران ما بگل هم نشستند و درس خواندند، همه خواهر و برادر هم هستند، ما هیچ‌وقت چنین مسئله‌ای نداشتیم، الان اینکه گفتند مختلط‌بودن دانش آموزها مشکل ایجاد کرده و مدرسه باید تعطیل شود، اسم روستای ما در شبکه من‌وتو و بی‌بی‌سی و جاهای دیگری رفته، با این کار حیثیت ما را بردند. بچه -اساله از جنسیت چه می‌دانست، الان با بحث‌هایی که راه انداختند بدتر چشم و گوشش را باز می‌کنند. حالا صداهایی از جمع این پدران و مردان روستا بلند می‌شود و هرکدام در تلاش هستند تا برای جلوگیری از بستن مدرسه، درخواستی کنند. صدای چند نفر نیز تمام جمالت، تکرار می‌کرد خانم خبرنگار تو را به خدا کاری کن این مدرسه بسته نشود. یکی از

اهالی کارت معلمی آموزش‌وپرورش خود را جلوی صورت‌م می‌گیرد و با عصبانیت می‌گوید: دخترم من ۳۰ سال معلم آموزش‌وپرورش بودم، در همین مدرسه تدریس کردم، همه آدم‌های روستا شاگردهای من بودند، در این ۳۰ سال ما هیچ‌وقت مشکلی از نظر جنسیت نداشتیم، همه مثل خواهر و برادر کنار هم درس خواندیم، مداد و پاک‌کن از هم قرض گرفتیم، چطور شده که بعد از ۳۰ سال یادشان آمده این مدرسه را جمع کنند؟

**دروغ است که به‌خاطر مختلط‌بودن مدرسه، ترک تحصیلی داشتیم**

مرد میانسال‌به‌که عضو هیئت امنای روستاست با صدای بلند می‌گوید: رئیس آموزش‌وپرورش منطقه دروغ می‌گوید. گفتند مختلط‌بودن مدرسه باعث شده کسانی ترک تحصیل کنند، ما می‌خواهیم این یک نفر را به ما معرفی کنند. با صدای بلند در وسط جمع ادامه می‌دهد: مردم کسی بین شما وجود دارد که چنین موردی داشته باشد؟ همه یک‌صدا فریاد می‌زنند نخیر. صدای پیرمردی بلند می‌شود که اینها کذب است، ما با مختلط‌بودن کلاس درس فرزندانمان مشکلی نداریم. عضو هیئت امنا دوباره تکرار می‌کند: اولیای محترم شما حاضرید دختران و پسرانتان برای مدرسه به کیلان بروند؟ همه فریاد می‌زنند نخیر. یکی از پدرهای حاضر در جمع، در بین شلوفی صداها، نزدیک می‌آید تا چیزی بگوید، اما همان موقع سکوت نسبی حاکم می‌شود و این پدر می‌گوید: ببینید خانم، این بچه من ۱۲ سال دارد، اگر به خوابگاه برود حق می‌کند، اصلا قرار است چه چیزی از این خوابگاه بیرون بیاید؟ ۳۰ سال بچه‌های ما اینجا درس خواندند، خطر خوابگاه که از همین مختلط‌بودن بچه‌ها در کلاس بیشتر است. جابان حدود ۴۰ کیلومتر دورتر تا ماست، حتی خودم هم جرئت نمی‌کنم آنجا بروم. آن یکی مدرسه هم که شبانه‌روزی است، امنیت این بچه‌های ۱۲،۱۰ساله را چه کسی تأمین می‌کند؟ با سرویس هم بروند روزی ۶۰ کیلومتر رفت و ۶۰ کیلومتر برگشت را چطور تحمل کنند؟ چه زمان درس بخوانند؟ اصلا بچه‌های ما چون کمتر مسافت زیاد می‌روند، این رفت‌وآمد با ماشین ادپتشان می‌کند. جوانی با موهای روشن که پیش از این دورتر از جمع ایستاده بود، داخل جمعیت می‌آید و می‌گوید: در روستای ما چیزی می‌خواهد ۱۲ میلیارد هزینه کند و مدرسه بسازد، الان وقتی نمی‌گذارند بچه‌ها درس بخوانند، دیگر چه لزومی دارد این‌همه هزینه کنند؟ خانم خبرنگار، همه فامیل هستیم، بچه‌های ما همه در خانه همدیگر رفت‌وآمد دارند، اصلا مشکل جنسیت نداشتیم هیچ‌وقت که آموزش‌وپرورش این را گفته.

**ما آماده‌اول مهر بودیم که گفتند مدرسه تعطیل شود**

پیر صحبت‌ها و همه‌همه‌های نامشخص، چندنفری از خرید روپوش، دفتر و لوازم‌التحریر بچه‌های روستای می‌گویند که قرار بوده طبق هر سال اول مهر پشت



**امکان انتشار کامل فیلم وجود ندارد**

رحیمی با اشاره به فیلم این حادثه عنوان کرد: «تمام فیلم‌ها با خانواده مهسا امینی به‌صورت طولانی‌مدت و کامل بازمینی شده اما امکان انتشار فیلم کامل در رسانه‌ها وجود ندارد.

بر اساس اطلاعات و بررسی‌های ما از طرف تیم عملیاتی گشت امنیت اخلاقی در این حادثه هیچ قصوری انجام نشده است».

سردار رحیمی ادامه داد: «قطعا حتی تلنگر هم به خانم مهسا امینی زده نشده و هیچ قصوری از سوی پلیس صورت نگرفته است. بی‌تردید افراد هنگامی که با گشت امنیت اخلاقی برخورد می‌کنند، وضعیتی دارند و وقتی به داخل مقر پلیس امنیت اخلاقی منتقل می‌شوند، طبیعتا وضعیت ظاهری دیگری دارند. بی‌تردید افرادی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند، باید به دستگاه قضائی معرفی شوند اما ما این کار را نمی‌کنیم و برای آنها کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کنیم. عدم رعایت شئونات اسلامی بین دو تا شش ماه زندانی دارد، اما ما آموزش مختصری می‌دهیم و تعهدی مبنی بر عدم تکرار این موضوع از افراد نمی‌کنیم».

**دوربین‌های ایسه پلیس نقص دارند**

فرماندهی انتظامی تهران بزرگ همچنین درباره استفاده از دوربین‌های ایسه به جهت امنیت اخلاقی گفت: «قبل از این حادثه نیز گشت‌های امنیت اخلاقی مجهز به دوربین

ایسه بودند، اما بعضا نقصی در استفاده از این دوربین‌ها وجود دارد. در هنگام هدایت خانم امینی به ون امنیت اخلاقی چهار خانم و دو آقا یعنی مجموعا شش نفر همراه هم بودند که سه خانم با تذکر مشکل‌شان قابل رفع بود و در صحنه پس از تذکر و اصلاح رفتند؛ در صورتی‌که در وهله اول این خانم‌ها نیز مشمول قانون رعایت شئونات اسلامی بودند اما مشکل‌شان قابل رفع بود و رفتند. نه چهار خانم و نه دو آقا در این موضوع هیچ مقاومتی نکردند و خود خانم مهسا امینی در این موضوع مقاومتی نداشت». سردار رحیمی تأکید کرد: «عدم استفاده از دوربین ایسه نقص بوده و ما با توجه به اظهارات خانم‌های درون ون و اطلاعات رسیده مطمئن هستیم که تیم عملیاتی ما هیچ قصوری انجام نداده است». او همچنین در پاسخ به سؤالی درباره مدت‌زمان حضور خانم مهسا امینی در مقر پلیس امنیت اخلاقی افزود: «ایشان بین ۳۰ تا ۳۸ دقیقه در مقر پلیس حضور داشتند».

فرماندهی انتظامی تهران بزرگ درباره انتشار برخی ویس‌ها در فضای مجازی نیز گفت: «ویس‌هایی را که منتشر می‌شوند مورد توجه قرار ندهید. ضد انقلاب در داخل و خارج فعال شده و بی‌تردید تلاش‌نخواهد خوایش نمی‌برد، من این بچه را چطور مدرسه شخص فرماندهی کل فراجا، سردار اشتری، اولین نفری بود که با این خانواده صحبت کرد ولی ویس‌های منتشرشده در فضای مجازی را مورد توجه قرار ندیم».

نیمکت بنشینند.
میرد میانسسال با موهای جوگندمی و لباس محلی، از بین جمع می‌گوید: رئیس آموزش‌وپرورش دماوند باید پاسخ دهد، ما روستای شهیدپروریم، چند شهید داریم، همین الان هم سرباز مدافع حرم داریم، ولی کاری کردند که به‌جای حل مشکل اسم روستای ما مشکل ما در بی‌بی‌سی و من‌وتو پخش شده، به‌جای آنکه اینجا دبیرستان هم بسازند، همین که هست هم از ما دارند می‌گیرند.

**بچه‌های ما با هم خواهر و برادرند، این تفکیک جنسیت چیست؟**

در بین صحبت‌ها، چند نفر بلند می‌گویند: تا تکلیف مدرسه راهنمایی مشخص نشود، در مدرسه ابتدایی هم می‌بندیم، بعد کم‌کم جمعیت به سمت در خروج حیاط مدرسه می‌رود، یکی از پدرها کنار می‌آید تا صدایش بین صدای جمعیت کم نشود، می‌گوید: ما لباس فرم و لوازم‌التحریر خریده بودیم، همه چیز مثل سال قبل بود، بچه‌های ما کنار هم نماز می‌خوانند، این حرف‌ها دیگر چه چیزی است؟ رو به امام‌جماعت می‌کند: حاج آقا اشتباه می‌گم؟ به‌جای اینکه به روستای ما هنرستان و دانشگاه بیاورند، مدرسه تعطیل می‌کنند.

مردی لاغراندام از خرید لوازم مدرسه برای دختر ۱۴ساله و پسر ۱۲ساله‌اش می‌گوید که نگران است شاید امسال مدرسه نزنود، بعد هم می‌گوید: ما واقعا با مختلط‌بودن مدرسه مشکلی نداریم، خیلی از اهالی که اینجا می‌بینید، فرزند دبستانی دارند ولی نگران‌اند که چند سال بعد بچه‌هایشان نتوانند راهنمایی بخوانند. همه جلوی در جمع شدند تا در هر دو مدرسه ابتدایی و راهنمایی را قفل کنند، یکی از پدرها رو به جمع می‌کند که دختر من هم سال آینده باید راهنمایی برود، اما هنوز شش‌ها پیش مادرش نتوابد خوایش نمی‌برد، من این بچه را چطور مدرسه شبانه‌روزی بفرستم؟ یکی دیگر بلند می‌گوید: من دو فرزند ابتدایی دارم تا تکلیف مدرسه راهنمایی مشخص نشود، آنها را به مدرسه نمی‌فرستم.

در بین اهالی این محل پسر جوانی که جز تحصیل‌کرده‌های روستا محسوب می‌شود، از روزهایی می‌گوید که برای مقطع دبیرستان مجبور به تحصیل در مدرسه شبانه‌روزی کیلان بوده. او می‌گوید: شرایط درس خواندن آنجا واقعا سخت بود. جدا از آسیب‌هایی که داشت، فضا مثل یادگان بود، رفتارهای خشک و سرد که همه باعث افسردگی دانش‌آموزها می‌شود، شرایطش از تجربه خوابگاه دانشجویی که داشتم، بدتر بود. حالا همه اهالی جلوی در مدرسه جمع می‌شوند و قفلی به هر دو در ابتدایی و راهنمایی می‌زنند تا در همین دو روز باقی‌مانده به مهر تکلیف این مدرسه مشخص شود؛ پدرهایی که بی‌سوادی اغلبشان، ترس بی‌سوادماندن فرزندانشان را دوچندان می‌کند. با تمام توان برای ترسیم آرزوی تحصیل دختران و پسران روستا در تلاش هستند تا اول مهر بچه‌ها پشت نیمکت‌های این روستای کم‌برخوردار بنشینند.

ردیف	پروژه	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ ضمانت نامه (ریال)	شماره فراخوان ستاد ایران
۱	اجرای کانال نهر رکن شهر کیکلا	۷,۶۳۶,۵۴۰,۶۱۱	۳۸۲,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۰۱۰۰۳۳۷۷۰۰۰۰۳۳
دارا بودن رتبه ۵ از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور با رعایت سقف ارجاع کار در راه و ترابری (حمل و نقل) الزامی است.				
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۲۲/۰۶/۱۴۰۱	مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت <span> </span> : ساعت۰۵/۱۴ مورخه ۰۵/۰۷/۱۴۰۱			
	مهلت زمانی ارائه پیشنهاد <span> </span> : ساعت۰۵/۱۴ مورخه ۰۵/۰۷/۱۴۰۱			
	زمان بازگشایی پاکت ها <span> </span> : ساعت ۰۵/۰۸ مورخه ۱۹/۰۷/۱۴۰۱			
	اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گز از جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف			
	آدرس ساری خیابان جام جم -اداره پیمان و رسیدگی <span> </span> : تلفن: ۳۳۳۶۳۹۰۴ -۰۱۱			
	اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه <span> </span> : مرکز تماس <span> </span> : ۰۲۱ -۴۱۹۳۴ دفتر ثبت نام <span> </span> : ۰۲۱-۸۵۱۹۳۷۶۸			
	این آگهی همزمان در سایت۱ets.mporg.ir نیز درج گردیده است.			



وزارت راه و شهرسازی

اداره کل راه و شهرسازی استان مازندران در نظر دارد مناقصه عمومی طبق جدول ذیل از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ( ستاد ) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی راه جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

**شناسه آگهی ۱۳۸۱۶۶۳**

**آگهی تجدید مناقصه (نوبت دوم)**